

نقد و نظر

○ پاسخ به تنظیم کنندگان «صحیفه نور»

○ نقد و بررسی کتاب اقتصاد سیاسی ایران

پاسخ به

تنظیم کنندگان «صحیفه نور»

در شماره ۱۸ مجله ۱۵ خرداد حجة الاسلام والمسلمین آقای سید حمید روحانی «صحیفه نور» را مورد نقد و بررسی قرار دادند که در شماره ۱۹ و ۲۰ همان مجله پاسخی از طرف تنظیم کنندگان «صحیفه نور» به چاپ رسید و مقاله حاضر پاسخی است به پاسخ مذکور، دیدگاه های مقاله مربوط به شخص نویسنده است نه فصلنامه.

در شماره ۱۸ مجله «۱۵ خرداد» زیر عنوان: «هشدار!» روی یکی دو مورد از اشتباهات «صحیفه نور» انگشت گذاشتیم. یکی از تنظیم کنندگان «صحیفه نور» در شماره ۱۹ و ۲۰ مجله پاسخی به آن ارائه نموده است.

ابتدا نکات مهم پاسخنامه را می آوریم تا جواب آن روشتر باشد
نوشته اند:

۱. «... در مجموع برای انتشار این مجموعه (صحیفه نور) نزدیک به دو هزار ساعت توار شنیده و پیاده شده و حدود پنجاه کتاب، روزنامه و مجله خوانده و مقایسه و مقابله شده است. چاپ اول این مجموعه در ۲۲ مجلد به زیور طبع آراسته گشته و چاپ دوم آن تا جلد هشتم منتشر و بقیه نیز در دست انتشار است. برای کاملتر شدن چاپ دوم این مجموعه، در جراید کثیرالانتشار از کلیه کسانی که نوار یا دستخط یا حکمی از حضرت امام (قدس سره) در اختیار داشتند استمداد شده بود. در مقاله «هشدار! تاریخ انقلاب اسلامی در گرداب» با کمال تأسف نه تنها همه این زحمات و تلاشها نادیده گرفته شده بلکه نسبت های ناروایی به دست اندرکاران تدوین این مجموعه گرانقدر داده شده ...»!!

آیا از دید برخی از کارگردانان تنظیم آن مجموعه، نقد و بررسی و خرده گیری کتاب یا مجموعه ای که روی آن سالیان درازی زحمت کشیده و وقت صرف شده روانیست؟! و باید اغلاط و اشتباهات آن مجموعه را به عنوان «حقیقت» پذیرفت.

اکنون برای روشن تر شدن اشکالهای اساسی که در این مجموعه دیده می شود، روی دو نمونه انگشت می گذاریم با تأکید به اینکه از این گونه نمونه ها در صحیفه نور به چشم می خورد.

در صحیفه نور، جلد اول، چاپ اول، ص ۱۲۲ و چاپ دوم ص ۲۰۱، از قول حضرت امام (رض) آمده است: «... مسلمین به راه مسلمین، علما به راه علما...» و یا در جلد اول، چاپ اول، ص ۱۳۲ و چاپ دوم، ص ۹۵ از امام آمده است: «... من به دول اسلامی می گویم که آقا چرا سر نفت دعوا می کنید؟ فلسطین مغضوب است، یهود را بیرون کنید از فلسطین ای بی عرضه ها! ... فلسطین مغضوب است شما سر نفت دعوا می کنید؟ وقتی سر مال دعوا کردید تثبیت شد حکومت اسرائیل بر فلسطین...» اگر محقق سؤال کند امام در این پیام چه مقصودی دارند، چه مقاماتی سر نفت دعوا کرده اند. این گفته امام به چه جریانی اشاره دارد، چه پاسخی باید بگوئیم؟ وقتی به سراغ نوار سخنرانی امام می رویم می بینیم که امام فرموده اند «... مسلمین بماهیم مسلمین و علما بماهیم علما...» که در صحیفه نور به غلط آورده شده است: «مسلمین به راه مسلمین و علما به راه علما...!» و نیز در مورد دوم، پیام امام چنین است: «... من به دول اسلامی می گویم که آقا چرا سر نهر دعوا می کنید... فلسطین مغضوب است شما سر نهر دعوا می کنید؟ وقتی سر نهر دعوا کردید تثبیت شد حکومت اسرائیل بر فلسطین...»

این پیام امام در پی نخستین کنفرانس سران عرب در قاهره در سال ۱۳۴۳ در پی تصمیم اشغالگران فلسطین برای منحرف کردن مسیر رود اردن، بوده است که در آن کنفرانس تصویب کردند که با همه قوا در برابر این تصمیم «اسرائیل» بایستند و آن رژیم اشغالگر را از منحرف کردن رود اردن باز دارند. امام با دید ژرف نگرانه خطاب به آنان چنین هشدار داده اند که... آقا چرا سر نهر (با اسرائیل) دعوا می کنید؟ (اصل) فلسطین مغضوب است... وقتی سر نهر (با اسرائیل) دعوا کردید حکومت اسرائیل بر فلسطین تثبیت خواهد شد. که در صحیفه نور متأسفانه واژه «نهر»، به «نفت» بدل شده و به کلی

پیام امام را بی معنی کرده است.

این اشتباهات تنها در پیامها و رهنمودهای امام که در مجموعه صحیفه نور گردآوری شده است، محدود نمی شود بلکه در برخی از اعلامیه ها و نوشته های امام نیز کاستی و فزونی دیده می شود. برای نمونه به اعلامیه امام در اردیبهشت/۱۳۴۲، نگاه کنید که در فراز «... جرم ما حمایت از اسلام و استقلال ایران است ...» کلمه «احکام» افزوده شده و در همان اعلامیه در دنباله «... تا تکلیف مردم با دولت روشن شود ...» جمله «... و عمال جرم را بشناسند ...» حذف شده است. (صحیفه نور، جلد اول، چاپ اول، ص ۴۶ و ۴۷ و چاپ دوم ص ۸۲ و ۸۳)

۲. نوشته اند: «... مسئولان دوراندیش نظام جمهوری اسلامی دست اندرکاران تدوین صحیفه نور را مورد عنایت خاصه خود قرار داده و برای این مجموعه «مقدمه و خاتمه» نگاشته اند و حتی ناشران این مجموعه مفتخر هستند که نام این مجموعه را مقام معظم رهبری انتخاب کرده اند ...!»
شگفتا!

اگر مسئولان نظام جمهوری اسلامی دست اندرکاران مثلا دانشگاهی را مورد تفقد قرار دادند و از بنیاد یک مرکز آموزشی پشتیبانی و قدردانی کردند و حتی نام این دانشگاه را برگزیدند، آیا اگر خدای نخواستہ کاستی ها و ناتوانیهای در این دانشگاه دیده شد کسانی را رخصت آن نباشد که زبان به انتقاد و اعتراض بگشایند؟ و اگر به نادرستی ها و ناتوانیهای که در آن محیط علمی دیده می شود انتقادی شد، دست اندر کاران آن مرکز می توانند به جای اصلاح و جبران اشتباه ها با دستاویز اینکه «... مسئولان دوراندیش نظام جمهوری اسلامی ...» بکوشند که ضعف ها و عیب ها را بپوشانند.

۳. نوشته اند: «... نوزده جلد از بیست و دو جلد این مجموعه در زمان حیات امام راحل (قدس سره) منتشر شده است با دقت و حساسیتی که معظم له در این گونه امور داشته اند ... اگر کمترین انحراف و سوءنیتی در آن ملاحظه می کردند، انتشار آن را متوقف می فرمودند ...!»

اولا حضرت امام (رض) با آن رسالت جهانی و مسئولیت سنگینی که در برابر اسلام، کشور و ملت داشتند، هیچگاه این فرصت را نمی یافتند که حتی صحیفه نور را ورق بزنند، تا چه رسد به اینکه بخواهند با متن اصلی اعلامیه ها، نوشته ها و نوارهای

سخنرانی خود مطابقت دهند.

اعلامیه ایشان در بهمن/ ۱۳۴۱ درباره حوادث و جریانهای رفراندم شاهانه و پیامدهای سفر شاه به قم، در صحیفه به عنوان اعلامیه فروردین/ ۴۲ و به مناسبت فاجعه فیضیه وانمود شده است!

۴. از پاسخهایی که به انتقاد و خرده گیریهای ما به کاستی های «صحیفه نور»، داده اند، این است که:

«... نگارنده مقاله مذکور «تاریخ و گرداب» در زمان انتشار این مجموعه خود در یکی از ارگانهای حساس کشور مسئولیت داشته اند. در صورتی که نگارنده مقاله ادعا کند که در اثر کثرت اشتغالات در آن زمان فرصت نکرده اند صحیفه نور را با دقت بخوانند، می توانستند از نیرویی که برای همکاری در این مجموعه به ما معرفی کردند که تا این اواخر در سازمان به کار اشتغال داشت بخواهند تا کاستی ها و نادرستی آن را به ایشان اطلاع داده و ایشان قاطعانه در برابر انتشار صحیفه نور موضع می گرفتند و ...»

اولا مطرح کردن اینکه «در زمان انتشار این مجموعه» چرا قاطعانه در برابر آن موضع گیری نکرده ایم، چه مشکلی را حل می کند و چه نتیجه ای از این پرسش عاید کارگردانان تنظیم این مجموعه می شود، ثانیاً نگارنده در پی انتشار همان نخستین مجلدات «صحیفه نور» بیش از دوهزار صفحه از کاستی ها، نادرستی ها و حشو و زواید آن را از آن مجموعه بیرون کشید که اکنون هم موجود است و نسخه ای از آن در دسترس برادر فقید حجة الاسلام و المسلمین حاج سید احمد خمینی (ره) قرار گرفت و از ایشان چاره اندیشی شد و چون ایشان متولی و مسئول پیامها و رهنمودهای امام بودند، نگارنده این چشمداشت را از ایشان داشت که در راه پیشگیری از اشتباه نگاری در گفته ها و پیامهای امام چاره اندیشی کنند و رخصت ندهند که پیامها و رهنمودهای امام مورد خدشه قرار بگیرد. از این رو، به امید اقدام ایشان، نگارنده مستقیماً به کاستی های آن مجموعه نپرداخت، به ویژه اینکه نظر آن مرحوم این بود که باید مشکل به گونه ای حل شود که اعتبار پیامها و رهنمودهای امام به کلی آسیب نبیند و به زیر سؤال نرود. از این رو، برای یافتن راه حلی بارها با ایشان نشست و گفتگو داشتیم و رایزنیهایی کردیم نخست پیشنهاد این بود که هیئتی از طرف امام برای حک و اصلاح این مجموعه رسماً معرفی شوند و در راه رفع کاستی ها و آن بکوشند، با بررسی مجموعه «صحیفه نور»

دریافتند که کاستی‌ها و نادرستی‌ها بیشتر از آن است که بتوان به حک و اصلاح آن نشست و پس از بررسی‌ها و ارزیابی‌ها به این نتیجه رسیدند که کار باید از اساس آغاز و دنبال شود و در واقع از سر گرفته شود. اینجا بود که اندیشهٔ بنیاد مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام پدید آمد و قوت گرفت و سرانجام جامه عمل پوشید، کار از پایه آغاز شد و مجموعه «کوثر» از طرف آن مؤسسه تدوین و تنظیم و در دست انتشار قرار گرفت. برادر بزرگوار حجة الاسلام والمسلمین حاج آقای انصاری برای نگارنده نقل کردند که وقتی جمعی از دست‌اندرکاران تنظیم این مجموعه را به دفتر فراخواندیم و آنان را مورد بازخواست قرار دادیم که چرا سخنرانی‌ها و پیام‌های امام را به این روز انداخته‌اند، تنها توجیه آنان این بود که چون می‌ترسیدیم دیگر ناشران رودست ما بزنند و در جمع و پخش پیام‌های امام از ما پیشی بگیرند با شتاب زدگی به انتشار آن دست زدیم!! نیز به یاد دارم که با حجة الاسلام والمسلمین برادر بزرگوار حاج آقای خاتمی وزیر اسبق ارشاد درباره کاستی‌ها و نادرستی‌هایی که در «صحیفه نور» پدید آمده به گفتگو نشستیم و از ایشان توضیح خواستم، پاسخ ایشان تا آنجا که به خاطر دارم این بود که دست‌اندرکاران - به ویژه آنانکه نوار سخنرانی امام را پیاده می‌کردند - چون سواد درستی نداشتند، این اغلاط و اشتباه‌ها پدید آمده است!!

نگارنده با توجه به کاستی‌ها و نادرستی‌های «صحیفه نور» هیچگاه در نوشته‌های خود به آن استناد نکرده و برای بهره‌گیری از پیام‌ها و رهنمودهای امام آن مجموعه را معتبر و درخور بهره‌برداری نیافته و به عنوان اشاره به این کاستی‌ها و نادرستی‌های «صحیفه نور» در یک پانویس در کتاب «نهضت امام خمینی» هشدار داده است:

«... لازم به یادآوری است که این سخنرانی - همانند بسیاری از گفتار و بیانات امام - در جاهای دیگر نیز چاپ شده است که اغلاط فراوان دارد - حتی غلط‌هایی که مضمون را دگرگون می‌کند و از نظر تاریخی زیانبار است - از این رو، خوانندگان باید بدانند که به هر کتاب و نوشته‌ای که به نام گفتار امام و نهضت روحانیت انتشار می‌یابد نتوان اعتماد کرد زیرا که بسیاری از آن نوشته‌ها با دقت و ضبط کافی به نگارش نیامده است و از جانبداریها و یک‌سو نگریهای شخصی و جریانی خالی نیست.»^۱

۱. نهضت امام خمینی، جلد ۲، ص ۱۵۶.

در برخی از سخنرانیهای امام در این مجموعه، مطالب و محورهایی آمده که مورد خشنودی امام نبوده و امام دستور اکید بر حذف آن داشته اند. در سخنرانی امام در ۱۳۴۳/۱/۲۶ «سبق لسانی» از امام شده بود که امام دستور دادند در نوارها آن را حذف کنند و در متن چاپ نیز نیاورند در سخنرانی یاد شده که در همان روزها به چاپ رسید این دستور و سفارش امام رعایت گردید و آن جمله ای را که امام پافشاری بر حذف آن داشتند، حذف شد. نیز سخنرانی امام در عصر عاشورای ۴۲ و ۴۳/آبان که در ماهنامه ۱۵ خرداد، در نجف اشرف- برای نخستین بار- به چاپ رسید، دگرگونیهایی در مطالب سخنرانی از طرف امام صورت گرفت و آن محورهایی که امام به مصلحت نمی دانستند حذف شد و یا تغییر کرد که همان متن اصلاح شده در جلد نخست کتاب «نهضت امام خمینی» آمده است و نیز دیگر سخنرانیهای امام در نجف اشرف زیر نظر ایشان و با کوشش شماری از برادران روحانی مانند آقایان محتشمی، فردوسی پور و نگارنده تنظیم و اصلاح و تیرگذاری شده و به چاپ رسیده که اکنون نیز موجود است. لیکن کارگردانان تنظیم «صحیفه نور» بدون اعتنا به متن چاپ شده آن سخنرانیها در ایران و نجف- که هرگونه دخل و تصرفی در آن با نظر و صلاحدید حضرت امام صورت گرفته است- متن سخنرانیهای یاد شده را در «صحیفه» آورده اند که نه تنها مایه دوگانگی در برخی از سخنرانیهای امام شده، بلکه برخی از فرازها و محورها را که امام به علت «سبق لسان» و به دلایل دیگر در سخنرانی بر زبان آورده لیکن راضی به ضبط و پخش آن نبوده اند، نیز در مجموعه آورده و خدشه شدید بر آثار امام وارد کرده اند.

شگفت آور است که نوشته اند نگارنده «نیروی برای همکاری در این مجموعه» به کارگردانان تنظیم «صحیفه» معرفی کرده ام!! با تاکید و قاطعیت اعلام می کنم که نگارنده تاکنون نه با کارگردانان تنظیم «صحیفه نور» دیدار و گفتگو داشته ام و نه آنها را می شناسم و نه نیرویی به آنان معرفی کرده ام.

۵. در رد اشکال و ایراد به اینکه اعلامیه عزای عمومی امام در فروردین/۴۲ که پیش از اعلامیه مشترک با دیگر علما در «صحیفه نور» آمده است دو توجیه کرده اند نوشته اند که اعلامیه عزای عمومی، چون «برای آگاهی مردم از اینکه حضرت ایشان عید نگرفته و اعلام عزای نموده اند، صادر شده است، بنابراین طبیعی است پیش از فرارسیدن عید نوروز یعنی در اسفند ماه ۱۳۴۱ صادر شده باشد و نه در فروردین ۱۳۴۲»

پاسخ به تنظیم کنندگان «صحیفه نور»

باید به کارگردانان تنظیم «صحیفه» یادآور شوم که ما نمی‌خواهیم بگوئیم «اعلامیه عزای عمومی فروردین امام» در فروردین/۴۲ صادر شده است. تردیدی نیست اعلامیه‌ای که در آن عید نوروز عزای عمومی اعلام شده باید خیلی پیش از فرارسیدن آن روز صادر، چاپ و پخش شود. و اگر عبارت ما در این باره در مقاله «هشدار» نارسایی دارد پوزش می‌خواهیم- لیکن اشکال اینجاست که این اعلامیه چرا پیش از اعلامیه مشترك معروف به اعلامیه نه امضایی آمده است؟ اعلامیه مشترك در اوایل اسفند/۴۱ پخش شد و بی‌تردید صدور آن پیش از این تاریخ است و با بهانه اینکه اعلامیه عزای عمومی در اسفند ماه صادر شده است نمی‌توان مقدم داشتن آن را بر اعلامیه مشترك توجیه کرد.

به نظر می‌رسد که پاسخگویان به مقاله ما نه تنها اشکال ما را به درستی دریافته‌اند بلکه به پاسخی که خود به اشکال ما در بند الف داده‌اند نیز توجه نداشته‌اند. به صدر و ذیل پاسخ آنان که در پی آورده‌ایم توجه کنید: مناسب است که صدر و ذیل این پاسخ بلند بالا عیناً در اینجا آورده شود:

«... نگارنده مقاله عنوان کرده که اعلامیه عزای عمومی امام در فروردین/۴۲ پیش از اعلامیه مشترك با دیگر علما که در اوایل اسفند انتشار یافته بود آورده شده است...» .
یازده سطر پایین‌تر چنین آورده‌اند:

«... نگارنده مقاله زحمت مطالعه صفحات و دقت در ترتیب اعلامیه‌ها را نیز به خود نداده و مدعی شده‌اند که این اعلامیه (اعلامیه عزای عمومی) بعد از اعلامیه مشترك با علما، در صحیفه نور قرار گرفته که این ادعا نیز اشتباه و اعلامیه عزای عمومی پیش از اعلامیه مشترك چاپ شده است...!!»

و سرانجام روشن نکرده‌اند که ادعای «نگارنده مقاله» این است که اعلامیه عزای عمومی پیش از اعلامیه مشترك با علما یا بعد از اعلامیه مشترك با علما در «صحیفه نور» آمده است؟ و آن پاسخی که در بند الف داده‌اند به کدامین ادعا بوده است؟!

۶. در پاسخ به اشکال نگارنده که چرا اعلامیه امام را که در جریان رفراندم شاهانه در بهمن/۴۱ صادر شده «فروردین/۴۲» تاریخ زده و به مناسبت یورش دژخیمان شاه به مدرسه فیضیه وانمود کرده‌اند، پاسخهایی داده‌اند که ما برای روشن شدن حقایق بایسته است که پیش از آوردن آن پاسخها دو نکته را مورد بررسی قرار دهیم:

نخست بینیم که در روز بیست و ششم شعبان/ ۱۳۸۲ (مصادف با سوم بهمن/ ۱۳۴۱) در قم چه گذشته است و دوم متن اعلامیه امام در روز ۲۶ شعبان/ ۸۲ را نیز بیاوریم تا روشن شود که به چه مناسبتی صادر شده است. در مورد نخست آنچه را که در کتاب «نهضت امام خمینی» آمده است در پی می آوریم:

... به دنبال پخش اعلامیه قائد بزرگ علیه فرماندم در قم و آگاهی اهالی آن شهرستان، از تعطیلی بازار تهران و تظاهرات پرشکوه مردم پایتخت علیه فرماندم شاه بعد از ظهر روز سه شنبه دوم بهمن (۱۳۴۱) بازار قم نیز تعطیل گردید... روز چهارشنبه ۳ بهمن (۲۶ شعبان) شهر مذهبی قم، شاهد تعطیل رسمی سراسری و چشمگیری بود... جمعیت انبوهی از پائین شهر قم به رهبری روحانی محل با بلند کردن قرآنی در پیشاپیش جمعیت و با شعار «ما تابع قرآنیم فرماندم نمی خواهیم» به طرف صحن مطهر در حرکت بودند و از هر خیابانی که می گذشتند، جمعیت زیادی به آنان می پیوستند... در این اثنا ناگهان چندین کامیون سرباز از پادگان منظریه که در ۳۰ کیلومتری قم قرار دارد وارد شهر شده به سوی مردم آتش گشودند، به هر کس که دست یافتند مخصوصاً روحانیان را به سختی مجروح کردند، به مدرسه فیضیه حمله کرده در صحن مدرسه نیز به تیراندازی و زدن طلاب پرداختند و درب و پنجره بعضی حجره ها را درهم شکستند... دزدها و چاقوکش های سابقه دار قم و مزدوران «ساواک» در حالی که سربازان تا دندان مسلح در پیشاپیش آنان حرکت می کردند، با شعار «جاوید شاه» به دکانها و مغازه های بسته یورش بردند. سربازان با نیزه های مخصوص، درب مغازه ها را شکسته دزدان و چاقوکشان شه پرست نیز به غارت و تاراج آن پرداختند...^۱

این جریان مربوط به روز ۳ بهمن/ ۴۱-۲۶ شعبان/ ۱۳۸۲ است که در قم روی داده است. اکنون بخشی از اعلامیه امام را که در این روز صادر شده و بنا بر ادعای برخی از تنظیم کنندگان «صحیفه نور» در روز سوم فروردین/ ۴۲ صادر شده است!! در پی می آوریم:

بسم الله الرحمن الرحيم
انا لله و انا اليه راجعون

«بعد از نصایح بسیار و اداء وظیفه روحانیت نتیجه این شد که امروز ۲۶ شهر شعبان

۱. بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، جلد ۱، ص ۲۵۰-۲۴۶.

است از اوایل روز عده‌ای رجاله با مامورین دولت در شهر مقدس قم به راه افتادند و به مردم بی‌پناه قم و طلاب و روحانیون حمله کرده و اهانت نمودند و بسیاری را کتک زدند و به زندان بردند. جمعی از مامورین و رجاله به مدرسه فیضیه مجاور حرم مطهر ریخته تیراندازی کردند و با چوب و چماق طلاب مظلوم را کتک زدند و به بازار و خیابان قم ریخته و بعضی دکانه‌ها را غارت کردند و درب و پنجره و شیشه مغازه‌ها را شکستند... این است حال ما در این ساعت که ظهر است و عاقبت امر معلوم نیست چه خواهد شد...»

در دومین اعلامیه امام که در همین روز صادر شده نیز می‌خوانیم:

«مسلمین آگاه باشند که اسلام در خطر کفر است. مراجع و علمای اسلام بعضی محصور و بعضی محبوس و مهتوک هستند. دولت امر داد حوزه‌های علمیه را هتک کنند و طلاب بی‌پناه را کتک بزنند و بازار مسلمین را غارت کنند و درب و پنجره مغازه‌ها را بشکنند.

در تهران حضرت آیه الله خوانساری و حضرت آیه الله بهبهانی در محاصره شدید قرار دارند و عده‌ای از علمای محترم و وعاظ معظم را محبوس نمودند و ما از آنها به هیچ وسیله‌ای نمی‌توانیم اطلاع پیدا کنیم... آقایان طلاب و مبلغین را مانع می‌شوند که برای تبلیغ اسلام در نواحی ایران بروند و تبلیغ احکام کنند...»

در اینکه این اعلامیه‌ها در روز ۳ بهمن / ۴۱ (۲۶ شعبان / ۸۲) صادر شده است تردیدی نیست و به دلیل و گواه نیاز ندارد با این وجود برای آنکه امر مشتبه نشود آوردن دلایل ذیل بایسته است:

۱. امام در این اعلامیه به صراحت اعلام کرده‌اند: «... امروز ۲۶ شهر شعبان است...» در صورتی که فاجعه فیضیه در ۲۵ شوال رویداده است.

۲. امام در این اعلامیه آورده‌اند: «... از اوایل روز عده‌ای رجاله با مامورین دولت در شهر مقدس قم به راه افتادند و به مردم بی‌پناه قم و طلاب و روحانیون حمله کرده و اهانت نمودند... و در پایان اعلامیه نیز فرموده‌اند: «... این است حال ما در این ساعت که ظهر است...» در صورتی که فاجعه فیضیه در غروب روز دوم فروردین / ۴۲ رویداد و دنباله آن نیز در غروب روز سوم فروردین بود.

۳. امام در این اعلامیه از حمله به «بازار و خیابان قم» و «غارت مغازه‌ها» خبر

داده اند. در صورتی که در روز دوم فروردین دژخیمان رژیم به بازار و مغازه های قم حمله نکردند و به شکستن درب و شیشه مغازه ها و غارت دکانها دست نزدند. از این رو، امام در اعلامیه ای که به دنبال جریان دوم فروردین صادر کردند در استیضاح دولت این بند را گنجانند که: «... با چه مجوز در دو ماه قبل بازار قم را غارت کردید و به مدرسه فیضیه تجاوز نمودید و طلاب را کتک زده و آنها را به حبس کشیدید^۱» در دنباله این بند در مورد فاجعه روز دوم فروردین چنین آورده اند: «... با چه مجوز در روز وفات امام صادق-سلام الله علیه- کماندوها و مامورین انتظامی را با لباس مبدل و حال غیر عادی به مدرسه فیضیه فرستاده و این همه فجایع را انجام دادید؟ ...» اگر همراه با یورش دژخیمان شاه به مدرسه فیضیه در روز دوم فروردین به بازار قم نیز حمله شده بود بی تردید در پیام امام می آمد، چنانکه درباره فاجعه روز ۳ بهمن (۲۶ شعبان) که همراه با یورش به مدرسه فیضیه به بازار و خیابان های قم نیز حمله شد در اعلامیه امام در روز ۲۶ شعبان به صراحت آمده و نیز در استیضاح دولت نیز اثر مطرح کرده اند.

۴. در دومین اعلامیه امام در روز ۲۶ شعبان/۸۲ (۳ بهمن/۴۱) از محاصره بیت آیه الله خوانساری و آیه الله بهبهانی خبر داده اند که جریان آن در کتاب «بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی-جلد نخست-ص ۲۳۷» آمده است و در دوم و سوم فروردین برای نامبردگان رویداد تازه ای نبوده است

۵. در این اعلامیه امام آمده است: «... آقایان طلاب و مبلغین را مانع می شوند که برای تبلیغ اسلام در نواحی ایران بروند و تبلیغ احکام کنند...» که خود نمایانگر این واقعیت است که اعلامیه در نزدیک ماه رمضان که طلاب برای تبلیغ از قم بیرون می رفته اند، صادر شده است نه در ماه شوال که طلاب از تبلیغ برمی گردند.

ما بار دیگر تاکید می کنیم که «صحیفه نور» عاری از اشتباه و خالی از کاستی و نادرستی نیست. از این رو، محققان و پژوهشگران متعهد برای بهره گیری از پیامها و رهنمودهای امام، به مجموعه ارزشمند «کوثر» که از سوی «موسسه تنظیم و نشر آثار امام» که تاکنون سه جلد آن منتشر شده است مراجعه نمایند. البته مجموعه یاد شده علیرغم کوشش فوق العاده دست اندرکاران محترم آن مؤسسه نیز برخی اشتباهات دارد

۱. متن این اعلامیه در کتاب بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، صفحه ۳۷۲ و ۳۷۳ آمده است.

که ناچیز و درخور اغماض است و موفقیت بیشتر آنان را در انتشار درست و کامل آثار حضرت امام (س) از خداوند منان خواهیم.

والسلام علی من اتبع الهدی

سید حمید روحانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی